

بسم الله الرحمن الرحيم

فقه مقارن جلسه هشتاد و پنجم ۱۳۹۷/۲/۱۰

آشنایی با مذاهب فقهی اهل سنت (۳)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

جلسه گذشته در رابطه با پیدایش مذاهب اسلامی و این که از میان این ۱۰-۱۲ تا مذهب این چهار مذهب جهانی و تثبیت شد بحث کردیم.

اولین مذهب از این چهار مذهب، حنفی است که در مورد موسس این مذهب می گویند:

«أول الأئمة الاربعة»

و عرض شد که از ابو حنیفه حتی یک کتاب و تألیف نداریم. شاگردان او آمدند مبانی فکری و اعتقادی او را بحث کردند و نشر دادند.

مفصل ترین کتاب فقهی حنفی ها مبسوط سرخسی است که تقریباً ۲۷-۲۸ جلد است مثل جواهر ما است.

پرسش:

این آثار چند سال بعد از ایشان نوشته شده است؟

پاسخ:

بعد از این که مرد دو تا از شاگردانش افکارش را گردآوری و منتشر کردند.

پرسش:

استاد! قال مؤلف هذا الكتاب آیا خود شببانی می گوید؟

پاسخ:

بله، خود شیخ مفید هم دارد قال محمد بن نعمان المفید، شیخ طوسی هم دارد، قال محمد بن حسن الطوسی، در قدیم این طوری رسم بوده است.

نسبت به ابو حنیفه دو بحث است یک مطالبی که در مدح او آوردند و جعل کردند، این ها خیلی برجسته نیست خودش می گوید من یک شب دیدم قبر پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم را دارم نبش می کنم و استخوان های پیغمبر را بغل گرفتم خیلی ناراحت بودم. نزد محمد ابن سیرین - معبری که هم عصر امام صادق علیه السلام بوده - رفتم ایشان گفت اگر رؤیای تو رؤیای صادق باشد

«لتحیین سنة نبیک»!

تو سنت پیغمبر را احیا خواهی کرد!

یا می گویند پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم روایتی گفته است:

«یکون فی امتی رجل اسمه النعمان وکنیته أبو حنیفة هو سراج امتی هو سراج امتی»!!

تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۳۵، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳، دار النشر:

دار الکتب العلمیة - بیروت

البته خطیب بغدادی می گوید:

« وهو حديث موضوع »

این حدیثی است که جعل کردند.

سیوطی و شوکانی هم به همین شکل دارند. انس از پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم نقل می کند:

« عن أبان عن أنس مرفوعا : سيأتي من بعدي رجل يقال له النعمان بن ثابت ويكنى أبا حنيفة ليحيين دين الله

وسنتي على يده!»!

اللآلئ المصنوعة في الأحاديث الموضوعية ، ج ١ ، ص ٤١٧ ، اسم المؤلف: جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر

السيوطي الوفاة: ٩١١ هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق

: أبو عبد الرحمن صلاح بن محمد بن عويضة

«قال الخطيب باطل موضوع»

تاريخ بغداد ، ج ٢ ، ص ٢٨٧ ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ٤٦٣ ، دار النشر :

دار الكتب العلمية - بيروت

امثال این فراوان درباره ایشان آورده اند، اما در مذمت ایشان هم حرف زیاد است خطیب بغدادی نقل می کند که

اصلا ابوحنيفه نسبت به سنت پیغمبر خیلی بدبین بود.

راوی می گوید من مطلبی را از او سوال کردم جواب داد و گفتم پیغمبر این طوری فرموده است شما خلاف

پیغمبر نظر می دهید. گفت:

«دع من هذا»

این روایتها را رها کن!

یا روای می گوید من رفتم

«و سألته يوما آخر عن مسألة، قال: فأجاب فيها، قال: فقلت له: إن هذا يروى عن النبي صلى الله عليه و سلم فيه

كذا و كذا»

تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۸۷، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر :

دار الكتب العلمية – بيروت.

از پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم روایتی بر خلاف گفته شما نقل شده است گفت:

« حك هذا بذنب خنزير»

تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۸۷، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر :

الكتب العلمية – بيروت.

این روایت را با دم خنزیر پاک کن!

حدیث:

« البيعان بالخيار ما لم يتفرقا»

را برای ایشان خواندیم، حدیثی که قاعده فقهی است گفت:

«هذا رجز!»

تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۸۷، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر :

الكتب العلمية – بيروت.

این پلیدی است!

امثال این قضایا زیاد است، یوسف ابن اسباط می‌گوید ابوحنیفه چهارصد و یا بیشتر از چهارصد روایت پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم را رد کرده است.

مصنف ابن ابی شیبہ می‌گوید که کتابی تألیف کردند به نام الرد علی ابی حنیفة که ابو حنیفه ۱۲۵ مورد روایت پیغمبر را رد کرده است.

از آن طرف ابو اسحاق فزازی نقل کرده ابوحنیفه می‌گفت ایمان ابلیس و ایمان ابی بکر در یک سطح است.

نقل کردند که عمر بن خطاب این چنین قضاوت کرده است ابوحنیفه گفت این قضاوت عمر قول شیطان است. یا می‌گویند عبارتی را از عمر نقل کردیم ایشان گفت:

«هذا قول الشيطان!»

تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۸۸، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت.

از آن طرف در مورد ایشان از مالک نقل می‌کنند:

« ما ولد في الاسلام مولود اشتم من ابی حنیفة»

تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۴۰۱، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت.

در اسلام فرزندی شوم‌تر از ابوحنیفه به دنیا نیامده است!

مالک می‌گوید اگر ابوحنیفه با شمشیر در امت اسلامی قیام می‌کرد بهتر بود از فتاوایی که داده است، بازهم از مالک نقل می‌کنند:

« كانت فتنة أبي حنيفة اضّرّ على هذه الامة من فتنة ابليس »

تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۹۶، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر : دار الكتب العلمية – بيروت.

فتنه‌ی ابوحنیفه بر مسلمان‌ها از فتنه‌ی شیطان ضررش بیشتر است

ولید ابن مسلم می‌گوید مالک به من گفت: کجا ساکن هستی؟ گفتم در کوفه همان جایی که ابوحنیفه است. گفت:

«ما ینبغی لبلدکم أن تسکن»

تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۴۲۱، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر : دار الكتب العلمية – بيروت.

شهر شما ارزش سکونت ندارد.

از امام شافعی نقل می‌کنند -این‌ها از بزرگان هستند و مالک رئیس مالکی‌ها است. آدم‌های سطح پایینی نیستند. شافعی می‌گوید:

«نظرت فی کتاب لابی حنیفة فیہ عشرون ومأة او ثلاثین و مأة ورقة»

حلیة الأولیاء لأبی نعیم، ج ۱۰، ص ۱۰۳

یک کتابی که مطالب ابوحنیفه را داشت نگاه کردم ۱۲۰ یا ۱۳۰ مورد دیدم از ابوحنیفه نقل شده و هشتاد ورقه آن در مورد وضو و نماز بود این‌ها را یا خلاف قرآن و یا خلاف سنت پیغمبر یافتیم.

از احمد ابن حنبل روایت شده است:

« ما قول أبي حنيفة والبعر عندي إلا سواء»

سخن ابو حنيفة و نعره شتر در نزد من یکسان هستند!

تاریخ بغداد ، ج ۱۳ ، ص ۴۳۹ ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر : دار الكتب العلمية – بيروت.

سفيان ابن عيينه که از ائمه اهل سنت است وقتی که شنید ابوحنيفة از دنيا رفته است گفت: الحمد لله !

«كان ينقض الإسلام عروة ما ولد في الإسلام أشأم منه»

اسلام را ابو حنيفة تکه تکه می کرد، در اسلام شوم تر از او نیامده است

التاريخ الصغير (الأوسط) ، ج ۲ ، ص ۱۰۰ ، اسم المؤلف: محمد بن إبراهيم بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ، دار النشر : دار الوعي , مكتبة دار التراث – حلب , القاهرة – ۱۳۹۷ – ۱۹۷۷ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : محمود إبراهيم زايد

راوی می گوید نزد سفيان ابن عيينه بود خبر مرگ ابو حنيفة را آوردند

«فقال لعنه الله، كان يهدم الإسلام عروة عروة»

الإنتقاء في فضائل الثلاثة الأئمة الفقهاء، ص ۱۴۹ – ۱۵۰

اسلام را تکه تکه نابود می کرد.

بعد می گوید بخاری هم همین تعبیر را نقل کرده است.

از اوزاعی هم به همین شکل نقل شده است.

«ما ولد مولود في الاسلام اضر على الاسلام من أبي حنيفة»

تاریخ بغداد ، ج ۱۳ ، ص ۳۹۹ ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر :
دار الكتب العلمية – بيروت.

بخاری از کسانی است که خیلی سرسخت مخالف ابو حنیفه است و نسبت به ابو حنیفه هم هیچ مطلبی در
کتاب‌هایش نیاورده است.

می‌گوید ایشان جزء مرجئه بوده و نسبت به احادیثش و رأیش همه ساکت ماندند.

پرسش:

آیا بخاری از امامان اهل سنت روایت نقل کرده است؟

پاسخ:

بله، از مالک دارد، از احمد دارد، از شافعی دارد.

پرسش:

طرفداران ابی حنیفه این مطالب را ندیدند؟

پاسخ:

دیدند و فحش هم نثار این‌ها کردند. نسبت به این‌ها فحش زیاد دارند.

پرسش:

استاد! الان ۴۰۰ تا ۴۵۰ میلیون نفر پیرو دارد.

پاسخ:

بله الان اکثریت اهل سنت حنفی‌ها هستند.

پرسش:

با این همه مخالفت‌ها و مذمت‌ها چطور شد که این همه طرفدار دارد؟

پاسخ:

این هم نیاز به نگاه و بررسی دارد که چطور شد با این همه مذمت‌ها این همه طرفدار دارد!

پرسش:

من یک نگاهی کردم نوشته‌اند یکی از علل این است که حکومت سامانیان، غزنویان و عثمانی این‌ها همه حنفی مذهب بودند.

پاسخ:

بله دیروز هم من عرض کردم که حکومت‌ها این را باعث شدند در میان این‌ها هم خود سلاطین حنفی آمدند این‌ها را منتشر کردند.

از ابو داود سجستانی صاحب کتاب سنن نقل شده است که یک روز به اصحاب و شاگردانش گفت:

«ما تقولون في مسألة اتفق عليها مالك وأصحابه والشافعي وأصحابه والأوزاعي وأصحابه والحسن بن صالح وأصحابه وسفيان الثوري وأصحابه وأحمد بن حنبل وأصحابه»

تاریخ بغداد ، ج ۱۳ ، ص ۳۹۴ ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر :

دار الكتب العلمية - بيروت

خیلی عبارت عجیب است یعنی از تمام این عبارتها این دقتش بیشتر است. می‌گویید در مسأله‌ای که مالک و پیروانش، شافعی و پیروانش، اوزاعی و اصحابش، حسن بن صالح و اصحابش، سفیان ثوری و اصحابش، احمد ابن حنبل و اصحابش اتفاق نظر داشته باشند نظر شما چیست؟

گفتند:

« لا تكون مسألة أصح من هذه »

از این صحیح‌تر که مسأله‌ای نیست

ابو داود سجستانی گفت:

« هؤلاء كلهم اتفقوا على تضليل أبي حنيفة »

این‌ها همه در گمراهی ابو حنیفه اتفاق نظر دارند.

البته ما همه این مطالب را قبلاً در شبکه سلام مطرح کردیم و گفتیم این اقوال بزرگان اهل سنت است اگر شیخ مفید، یا شیخ طوسی یا علامه حلی چنین حرفی زده بودند این‌ها آسمان را بر سر علمای شیعه خراب می‌کردند.

یکی از آقایان گفته بود آقای قزوینی هم می‌کشد و هم عزاداری و نوحه سرایی می‌کند! گفتم این عبارتهایی است که خود بزرگان شما دارند. این‌ها عبارت‌های علمای شیعه نیست.

بله! این هست که ابو حنیفه با آقا امام صادق سلام الله علیه با هم در مباحث علمی مناظره می‌کنند و آقا امام صادق علیه السلام استدلال می‌آورد که مبنای ایشان خلاف کتاب و سنت است. همچنین اصحاب امام صادق با ایشان مناظرات مختلفی داشته‌اند ولی این‌طور تعبیر را ندارند، این‌طور تعبیر و عبارتهای تند را ما در کتاب‌های شیعه نه نسبت به ابوحنیفه و نه نسبت به مالک و نه نسبت به شافعی و نه نسبت به احمد ابن حنبل

نداریم. این‌طور عبارتها از دیدگاه ما محکوم است. ما کاری به مسائل شیعه و سنی نداریم یک فردی که مورد احترام یک عده‌ای است این‌طور بی پروا سخن گفتن اصلاً خلاف عقل و خلاف تعایش سلمی و اجتماعی است.

پرسش:

آیا از علمای اهل سنت مدحی هم در این مورد وارد شده است؟

پاسخ:

همان سه چهار موردی که عرض کردم، بود.

پرسش:

استادا! این همه اختلاف به خاطر آن روش و نوع فنونی که ابوحنیفه داشت نسبت به احادیث و یا رد کردن احادیث این هجمه‌ها به این خاطر است.

پاسخ:

یک مقدار به خاطر بحث خلق قرآن بود، بحث ارجاء بود، بحث طرفداری ابوحنیفه از قیام زید بود. این‌ها همه دست به دست هم داد، یکی دو تا نبود، عوامل مختلفی باعث شد که این هجمه‌ها علیه ابوحنیفه گسترش پیدا کرد.

پرسش:

ایشان طرفدار زید بود؟

پاسخ:

بله از قیام زید طرفداری کرد به خاطر آن زندان رفت و شلاق خورد. حالا روی چه انگیزه‌ای بوده است ما نمی‌دانیم ولی از آن طرف با آقا امام صادق علیه السلام کاملا مخالفت داشته و تمام تلاشش این بوده است که بر خلاف امام صادق علیه السلام عمل کند، این را شیخ انصاری و دیگران دارند.

یا وقتی که امام صادق علیه السلام از دنیا رفت مؤمن الطاق را می‌بیند - که سنی‌ها به او شیطان الطاق می‌گویند چون خیلی‌ها را در مناظره شکست داده است! - ابو حنیفه با صدای بلند گفت:

«یا مؤمن الطاق مات امامک»

امامت مرد

مؤمن الطاق هم همان‌جا گفت:

«إِمَامُكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»

اشاره به آیه قرآن دارد که خداوند در مورد شیطان می‌گوید:

(قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يَبْعُثُونَ؛ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ أَلَى يَوْمٍ يَبْعُثُونَ)

سوره حجر (۱۵): آیه ۳۶ و ۳۷

ابو حنیفه مناظرات زیادی با هشام با مؤمن الطاق و دیگران داشته است و این‌ها کاملا مشخص و روشن است حتی یک روز به مؤمن الطاق گفت تو طبق نظر امامت قائل به رجعت هستی، شما یک مبلغی به من قرض بده ان شاء الله در رجعت که برگشتیم قرض تو را پس می‌دهم!

مومن الطاق گفت حرفی ندارم چقدر می‌خواهی؟ گفت فلان مبلغ، گفت باید یک ضمانتی به من بدهی. گفت چه ضمانتی بدهم؟ گفت در رجعت یک عده به صورت آدم می‌آیند و یک عده به صورت سگ و خوک می‌آیند؛

ضمانت بده که در رجعت به صورت سگ و خوک نیایی! من هم حاضرم هر چقدر که بخواهی به تو پول قرض بدهم.

مؤمن الطاق خیلی حاضر جواب بود شما شرح حال ایشان را در رجال کشی بخوانید یعنی در حاضر جوابی ایشان واقعا جزء اولین‌ها بود.

ابو خالد کابلی می‌گوید در مدینه بودم، دیدم که مؤمن الطاق با علمای اهل سنت بحث و مناظره می‌کند و ادله محکم برای امامت امام صادق علیه السلام و بطلان خلافت دیگران می‌آورد.

«رأيت أبا جعفر صاحب الطاق، و هو قاعد في الروضة قد قطع أهل المدينة ازراه و هو دائب يجيبهم و يسألونه، فدنوت منه فقلت: إنَّ أبا عبد الله نهانا عن الكلام، فقال: أمرك أن تقول لي؟ فقلت: لا! ولكنه أمرني أن لا أكلم أحدا، قال: فاذهب فأطعه فيما أمرك.»

من در مسجد مدینه، مؤمن الطاق را دیدم که در روضه منوره نشسته بود و مردم دور او را گرفته بودند و او پیوسته جواب مردم را می‌داد و از آنها سؤال می‌کرد. به او نزدیک شدم و گفتم: امام صادق ما را از بحث و گفتگو نهی کرده است. گفت: آیا امام صادق فرمودند که این را به من بگوئی؟ گفتم: نه. ولی به من دستور داد تا با هیچ کسی بحث نکنم. مؤمن الطاق گفت: پس برو و دستور امام را اطاعت کن.

-ببینید چقدر آدم دقیقی است! اگر ما باشیم می‌گوییم به من چه، ما یک چنین حرف‌هایی می‌زنیم ولی ایشان سوال می‌کند به تو گفت که به مؤمن الطاق هم بگو که چنین حرفی نزنند.-

«فدخلت على أبي عبد الله عليه السلام فأخبرته بقصة صاحب الطاق و ما قلت له و قوله لي اذهب و أطعه فيما أمرك.»

ابو خالد کابلی می گوید که بر امام صادق وارد شدم و ماجرای برخوردم با مؤمن الطاق را به امام گفتم. گفتم که به او چه گفتم و او به من گفت که برو و آنچه که امام دستور داده اطاعت کن.

«فتبسم أبو عبد الله عليه السلام و قال: يا أبا خالد إن صاحب الطاق يكلم الناس فيطير و ينقض، يهبط، يخرب. و أنت إن قصوك لن تطير»

امام صادق لبخندی زدند و فرمودند: ای خالد! همانا مؤمن الطاق، مباحثه می کند، پرواز می کند و می کوبد. می زند و خراب می کند. در حالی که تو اگر با اینها بحث کنی پرهایت را می چینند و نمی توانی پرواز کنی.

رجال الكشي؛ ج ۲، ص ۴۲۳، ح ۳۲۵؛ بحار الأنوار ج ۷۵، ص ۲۸۷

یعنی شما مناظره بلد نیستید! روش دفاع از ما را نمی دانید وقتی که مناظره می کنید برای خودتان در دسر درست می کنید ولی مؤمن الطاق نه! یک طوری دو پهلو و سه پهلو حرف می زند که برایش مشکل ایجاد نمی شود وقتی هم که گیر بیفتد می آید توجیه می کند، و توجیهاتش هم اثر می گذارد.

در هر صورت ... شما این تعبیر را در مورد ابوحنیفه ببینید:

«استتیب أبو حنيفة من الكفر مرتين»

تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۰۳، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - -

قضیه در مورد خلق قرآن است. سفیان ثوری می گوید مرتین نه! بلکه مرارا!

یا دارند:

« إن أبا حنيفة استتیب من الزندقة مرتين »

تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۹۲، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳، دار النشر :

دار الكتب العلمية - بيروت

ابن حبان از علمای بزرگ اهل سنت است ایشان در کتاب المجروحین خودش اصلا ابو حنیفه را تضعیف می کند می گوید روایت ابو حنیفه مورد وثوق نیست.

در تعبیر دیگر در مورد ابو حنیفه دارد:

«خمار خیر من أن یكون فيه رجل من أصحاب أبي حنیفة»

تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۴۱۷، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳، دار النشر :

دار الكتب العلمية - بيروت

می گوید اگر در یک منطقه شراب فروشی باشد آن شرف دارد از پیروان ابو حنیفه.

پرسش:

استاد ببخشید! ائمه اربعه خیلی هایشان شاگرد ابی حنیفه بودند چرا این طور در موردش می گویند؟ نمک خوردن و نمکدان شکستن!

پاسخ:

جالب است راوی می گوید ابوهریره یک مطلبی نقل کرد بعد گفتم عمر بن خطاب این طوری دارد نظر شما چیست؟

« قلت قال ابو حنیفه »

ابو حنیفه هم این طوری نظر دارد.

قال فقال : خاک بسر! قلت : تفسیره تراب علی رأسك!

تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۴۰۲ ، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳ ، دار النشر :

دار الكتب العلمية - بيروت

این‌ها چنین تعبیری دارند این هم در تاریخ بغداد آمده است می‌گوید همین که گفتم ابو حنیفه گفته است،

گفت خاک بر سرت که داری از ابو حنیفه نقل می‌کنی!

شیخ انصاری در رسائل در جلد اول صفحه ۶۱۵ چاپ جدید جلد ۴ صفحه ۱۲۵ و محدث جزائری در زهر الربیع

صفحه ۵۲۲ نقل می‌کند که ابو حنیفه می‌گوید:

«خالفت جعفرأ فی کل ما یقول او یفعل»

من با امام صادق علیه السلام در هر کدام از روایات و کارهایش مخالفم ولی نمی‌دانم که آیا در سجده دو

چشمش را می‌بندد و یا باز می‌کند و بعد می‌گوید شما یک چشم تان را ببندید و یک چشم تان را باز کنید تا

مخالفت قطعیه با نظر اقا امام صادق سلام الله علیه داشته باشید!

این‌ها نمونه‌هایی از مخالفت‌ها است.

ابن قیم جوزیه شاگرد ابن تیمیه یک مناظره‌ی خیلی جالب بین امام صادق سلام الله علیه و ابوحنیفه آورده

است البته این عبارت در کتاب‌های شیعه هم هست ولی خود ابن قیم در اعلام الموقعین جلد اول صفحه ۳۴۹

این مناظره را آورده است.

دوستان دقت کنند اگر این مطالب نقل می‌شود مخصوصاً در مناطق اهل سنت این اضافه بشود که ما با این طور

برخورد با ائمه اهل سنت کاملاً مخالفیم خلاف آیه قرآن:

(وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا)

سوره بقره (۲): آیه ۸۳

است و این چنین بی پروا حرف زدن درست نیست و اینها عمدتاً ریشه‌ی سیاسی دارد و علمای شیعه از شیخ مفید تا عصر حاضر نسبت به ابوحنیفه و دیگر ائمه اهل سنت چنین برخوردی نداشته‌اند.

گفتن اینها خوب است ولی این مطالب را که می‌گویید در کنارش مدح‌هایی که از ابوحنیفه است آن‌ها هم مطرح بشود که اینها تصور نکنند ما داریم عقیده‌گشایی می‌کنیم و فقط همین که ۲۰-۳۰ تا از علما در مورد ابوحنیفه مذمت کردند فقط اینها را نقل می‌کنیم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته